

بهار

فرهنگی، هنر و رسانه
ویژه

«جام جم» از سریال جدید شبکه یک گزارش می‌دهد

یک فراری بارویای قهرمانی!



صفحه ۸

گفت‌وگو با نوید دهقان به بهانه برگزاری کنسرت گروه «قمر» در تالار وحدت

سونامی پاپ موسیقی ملی را می‌بلعد

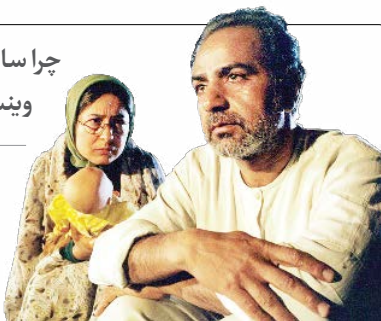
۱۱



چرا ساخت فیلم درباره حمله موشکی ناو آمریکایی وینسنس همواره با موانع روبه‌رو شده است؟

جنایت‌های فراموش شده

۱۰



گفت‌وگو «جام جم» با آریا طاهری تهیه‌کننده برنامه شبکه نسیم

هشدارهای پلیسی را نگونگفتی!

۶



یاد

در سالگرد درگذشت علامه امینی

مردی که تمام وجودش عشق به علی(ع) بود



خستگی ناپذیر و عاشق

امینی به همین مقدار هم راضی نبود، برای یافتن کتاب‌هایی که در نجف پیدا نمی‌شد، کوله بار سفر می‌بست و با مشقت فراوان به شهرهای مختلف و کشورهای دور می‌رفت. علاوه بر این که تمام شهرهای عراق را برای یافتن آثار تازه و دیده نشده، زیر پا گذاشت، در کتابخانه‌های مختلف ایران، سوریه، هند، مصر، سوریه، عربستان و لبنان به دنبال منابعی بود که بتواند کار بزرگ پژوهشی خود را به انجام برساند. خودش گفته است برای نگارش الفدر بیش از ده هزار جلد کتاب خوانده است.

او در این سفرها از تبلیغ و ارشاد مردم غافل نبود. اطلاعات عمیق، بیان محکم و تسلط او بر احادیث و روایات باعث می‌شد در هر شهری بر منبر رود، مردمان آن شهر را شیفته خود کند. یک بار به اصفهان رفت و شیب بر منبر رفت و درباره فضائل علی (ع) سخن گفت. سخن او چنان آتشی در مردم افکند که از او خواستند منبرش را تعطیل نکنند. یک ماه در اصفهان ماند و دیگر علمای شهر همگی مساجدشان را تعطیل کردند و پای منبر او نشستند.

یک دریادانش

تالیفات امینی نشان از گستردگی حوزه دانش او دارد. به جهت طولانی بودن فهرست نوشته‌های این اندیشمند تنها به چند کتاب اشاره می‌کنیم: شهداء الفضیله، تحقیق و تعلیق بر کامل الزیارات، سیرتنا و سنتنا سیره نبینا و سنته و... اما نام امینی با شاهکار جاویدان قلم او یعنی دائرةالمعارف یازده جلدی «الغدير» به زبان عربی (۲۲ جلد به زبان فارسی اگره خورده است.

امروز سالگرد درگذشت مردی است که مهدی اخوان ثالث، شاعر معاصر در قصیده‌ای ماندگار و استوار او را « پاکباز دین و حق» لقب داده است، علامه عبدالحسین امینی فقیه، محدث، متکلم، مورخ، نسخه‌شناس و بنیانگذار کتابخانه‌امیرالمؤمنین (ع) نجف که حاوی ۷۰ هزار نسخه خطی است. علامه امینی بی شک از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین روحانیون و علمای شیعه در قرن ۱۴ قمری است. او متولد ۱۲۸۱ شمسی در روستای سردهای شهرستان سراب بود. پدرش شیخ احمد امینی خودمجتهدی چیره‌دست و از شهرت بیزار بود، برای همین در گوشه‌ای دور از هیاهو به تحصیل دانش و تدریس مشغول شده بود. پدر، ادبیات فارسی، عربی، منطق و تا اندازه‌ای فقه و اصول را به فرزندش آموخت. از همان کودکی، عشق به قرآن و نهج البلاغه و خواندن کتاب‌های حدیثی و اعتقادی در وجودش شعله‌ور بود. در ۱۶ سالگی برای ادامه تحصیل راهی نجف اشرف شد و تا حدود ۳۲ سالگی در آنجا مشغول تحصیل علوم دینی بود. از جمله استادانش می‌توان به حضرات آیات سید محمدحسینی فیروزآبادی، سید ابوتراب خوانساری، میرزا علی ایروانی و میرزا ابوالحسن مشکینی اشاره کرد. علامه همچنین از مراجعی چون سید ابوالحسن موسوی اصفهانی، شیخ علی اصغر ملکی تبریزی و شیخ محمد محسن آقا بزرگ تهرانی اجازه روایت داشت.

بارگشت به شوق معشوق

پس از اقامت طولانی مدت در نجف به ایران بازگشت و در تبریز ساکن شد. یادگار این دوران زندگی او کتاب تفسیر فاتحه‌الکتاب بود اما اقامتش در ایران طولی نکشید چرا که پیقرار زیارت حرم مطهر امیرالمؤمنین علی (ع) بود، برای همین دوباره راهی نجف اشرف شد. در این زمان بود که دوباره به تحصیل و تکمیل دانش خود روی آورد و بی‌وقفه به خواندن و یادداشت برداری از کتاب‌های قدیمی مشغول بود. کتابخانه حسینیة شوشتری‌ها در نجف در آن زمان تنها کتابخانه عمومی شهر بود. عشق او به مطالعه چنان بود که روزها به طور مستمر در این کتابخانه به مطالعه مشغول بود و کتابدار کتابخانه را راضی کرده بود هنگام رفتن در را روی او ببندد و او را با کتاب‌ها تنها گذارد. کتابدار در راه روی امینی قفل می‌کرد و صبح وقتی باز می‌گشت او را در میان کتاب‌ها مشغول مطالعه می‌دید.

زاویه دید



سید مستغاثی
مستشار عالی
کتابخانه سینما

کانون‌های پنهانی که از دیرباز، بقای خود را در نابودی اسلام و مسلمین می‌دیدند وقتی شکوه و تمدن اسلامی را بر جهان تار و پود تیره قرون وسطی حاکم دیدند که علت آن همانا آمیختگی دین با علم، هنر، سیاست، اجتماع و زندگی بود و دریافتند مرکز تئوریک این امتزاج نیز حوزه‌های علمی‌های هستند که علوم دینی را زمینه‌ساز سایر علوم کرده و علمای دینی فارغ‌التحصیل این حوزه‌ها نیز هریک در شاخه یا شاخه‌هایی از علوم تجربی یا دقیقه و مانند آن، دانشمند و اندیشمند هستند، به این نتیجه رسیدند که برای مضمحل کردن آن تمدن اسلامی، راهی نیست جز آن که ریشه‌های آکادمیک و تئوریک تمدن فوق، یعنی حوزه‌های علمیه (که در واقع موتور محرک تمدن اسلامی یا کارخانه‌های تمدن‌سازی به‌شمار می‌آیند) مورد هجوم قرار داده و در همانجا دین را از علوم و هنر جدا ساخته و طرح تئوری‌دیرین خود، یعنی جدایی دین از زندگی (که در اروپا ریشه‌های عمیق‌تری دارد) را در شرق اسلامی نیز به اجرا گذارند. از همین روی با اعزام نفوذ مستشرقین و مستشرقین و عوامل مختلف کانون‌های یاد شده به دربار صفویه و همچنین زمینه‌چینی استیلای اخباریون بر حوزه‌های علمیه، سیر سکولاریته را در این حوزه‌ها آغاز کردند تا آنجا که دانشمندان و فرهیختگانی همچون ملاصدرا و شیخ بهایی ناچار از ترک این حوزه‌های دینی شدند. سیر نزولی یادشده در دوران افشاریان و زندیه نیز همچنان ادامه یافت. این درحالی بود که آمیختگی علم و هنری که از جهان اسلام به دنیای غرب راه یافته بود با ایدئولوژی جدید غرب (با محوریت اومانیزم، سکولاریسم و لیبرالیسم)، به تدریج زندگی و مقولات یادشده را دچار تحولات شگفت‌انگیزی در آن سوی دنیا می‌کرد و تمدنی شکل می‌گرفت که به لحاظ علمی و هنری بر بنیادهای همان تمدن اسلامی استوار بود، ولی ماهیتی مادی و غیرالهی داشت. در واقع غرب صلیبی/ صهیونی، پیشرفت‌های علمی و هنری تمدن اسلامی را اخذ کرده، ولی اساس و محورالهی آن را زده‌ده بودند. از همین روی بود که شکوفایی تمدن در اروپا و غرب باید به‌دیه‌های مذمومی همچون استعمار و برده‌داری و نسل‌کشی و جنگ‌های خانمان برانداز مقارن شد. برخلاف تمدن اسلامی که هرکجا پای گذارد، عرصه‌های گسترده‌ای از انسانیت، تعالی و مدنیت را رشد داد.

«آخوند سیاسی» سرکوب می‌شد و اساسا روحانی به کسی اطلاق می‌شد که در این‌گونه مسائل دخالت نمی‌کرد. در اینجا بود که بخش دیگری از کانون‌های صهیونی یعنی سازمان فراماسونری وارد گود شد و با اعزام ماسون‌ها برای برپایی مدارس جدید و جذب نخبگان ایرانی به تشکیلات فراماسونی و آموزش علوم انسانی غربی برپایه سکولاریسم و اومانیزم، تفکر اسلام ناب را به انزوای کامل کشاندند. این‌ها روحانیت را «ارائه‌دهنده و قشر روحانی را موجب انحطاط و اضمحلال جامعه، حرکت به سوی ارتجاع و فاصله‌گرفتن از تمدن و تمدن نمایانند». حضرت امام خمینی (ره) در سخنرانی مجلس شهادت حاج آقا مصطفی خمینی ۱۰ آبان ۱۳۵۶ در مسجد شیخ انصاری بازار درباره اسلام منهای روحانیت فرمودند:

«... آقا، این طور نیست که شما خیال کنید که ما اسلام را می‌خواهیم اما ملانمی‌خواهیم، مگر می‌شود اسلام بی‌ما؟ مگر شما می‌توانید بدون ملاکار را انجام بدهید. باز این ملاها هستند که جلو می‌افتند کار انجام می‌دهند. اینها هستند که جان‌شان را می‌دهند. الان هم ما توجس ملاها داریم، الان هم علماد داریم، الان هم علمای فادکار داریم، الان هم



روایت تاریخ از کارنامه روحانیت ریشه‌های جدایی اسلام از روحانیت

بخش
سی و هفتم

اولین تورسین‌های اسلام
منهای روحانیت در ایران

فراماسون‌هایی مانند میرزا فتحعلی آخوندزاده، سید حسن تقی‌زاده، عبدالحسین طایبوف، میرزا آقاخان نوری، میرزا ملکم‌خان، میرزا آقاخان کرمانی و... احمد کسروی و... از کسانی بودند که «اسلام‌منهای روحانیت» را با القای تفکرات مخرب و وارونه‌نمایی تاریخ تئوریزه کردند. آنها که مطمئن بودند، نمی‌توان اسلام را از جامعه ایران حذف کرد گویشدند که محور بیوپایی و فعالیت شیعه یعنی روحانیت و مرجعیت و ولایت را از آن حذف کنند.

از همین جاگروه‌هایی به وجود آمدند که به‌رغم اسلام‌نمایی، ولی آن را بدون روحانیت و سیاست معرفی می‌کردند، نخستین تفکرات ضدولایت فقیه را در مکتوبات دوران مشروطه از جمله در نوشته‌های ابراهیم زنجانی (فراماسون معروف و رئیس دادگاه شیخ فضل‌... نوری) می‌توان یافت. یعنی این‌گونه مشخص است که در همان دوران اندیشه ولایت فقیه در جامعه بسیار مطرح بوده است.

به‌رغم این تلاش و قهقه‌ناپذیر ضددینی اما روحانیت و مرجعیت اسلامی همچنان حضور خود را در صحنه‌ها و بزنگاه‌های تاریخ ایران حفظ کرد و کانون‌هایی را که با کنار زدن روحانیت و مسخ اسلام تلاش داشتند تا منابع و ثروت‌های ملی این سرزمین را چالاول کنند، ناامید ساخت.

چه کسانی همیشه در میدان بودند؟

با نگاهی به تاریخ، مشاهده می‌شود که هر زمان سخن از دفاع از عزت و شرافت ملی و حتی آب، خاک و وطن در میان بود، رهبری روحانیت و فتاوی مرجعیت زمان به میدان آمده و به دنبال آن اقشار سنتی، مذهبی و مقلدان مراجع و علمای اسلام نیز در میدان حاضر شده‌اند و هرکجا صحبت از خیانت، ذلت، وطن‌فروشی و بیگانه‌پرستی بوده، همه آن کسانی که روحانیت اسلام را موجب عقب‌افتادگی ملت می‌دانستند، حضور داشتند. از نیروهای غیرمذهبی و خدمت‌مندی گرفته تا اسلام‌گرایان سکولار و شبه‌روشنفکران به اصطلاح دینی و غیردینی.

این واقعیت را می‌توان از دفاع در مقابل تجاوز روس در جنگ‌های ایران و روس و مقابله با تجاوز انگلیس در جنگ جهانی اول دریافت و با نگاه دقیق‌تر به تاریخ می‌توان مشاهده کرد که از ایستادگی در برابر فروش کشور در قراردادهای رویتور و رزی و تا تحریم مشروطه انگلیسی و... همواره این روحانیون اسلام حاضر و فعال بودند و برعکس می‌توان ملاحظه کرد از قراردادهای گلستان و ترکمانچای گرفته تا تجزیه کشور و تا به هدر دادن مبارزات نهضت عدالتخانه و تا تبابی با بارون ژولیتوس رویتور یهودی، لرد کرومو، روجیلدها، برپایی سازمان‌های فراماسونری و... این به اصطلاح شبه‌روشنفکران و سکولارها و مخالفان روحانیت بودند که در چپه خیانت قرار داشتند.

می‌خواهیم...